

به نام خدا

اداره میراث فرهنگی ، صنایع دستی و گردشگری

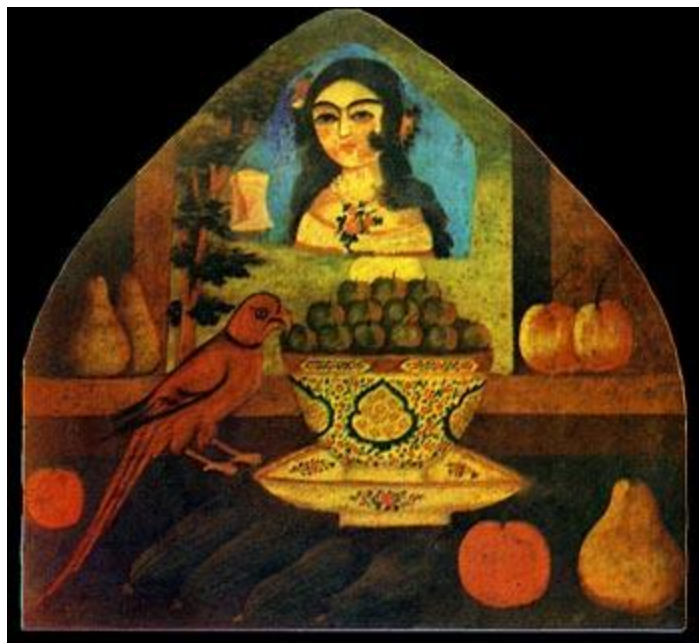
کاشان

تاریخچه نقاشی در دوره قاجار

واحد حفظ و احیای میراث فرهنگی

تنظیم : حسین پرنیان

آذر ماه ۹۳



## تاریخچه ای از دوره قاجار

قدرت یابی خاندان قاجار به شکل سلطنت از زمانی آغاز شد که کریمخان زند درگذشت و آقا محمد خان فرزند مقطوع النسل محمد حسن خان قاجار درصدد کسب قدرت برآمد .

لطفعلی خان زند آخرین فرد از خاندان زندیه پس از اینکه در جنگ با آقا محمد خان نهایت دلاوری و شجاعت را از خود نشان داد ، سر انجام شکست خورد و دستگیر شد . آقا محمد خان قاجارها را با هم متحد کرد و به یاری آنان و دیگر همسایگان ترکمن توانست قدرت را قبضه کند و مدعیان سلطنت را ، چه از خاندان زند و چه از ایل خود قاجار ، به کنار زند و به شاهی رسد .

آقا محمد خان در سال ۱۲۱۰ ه . ق خود را پادشاه ایران معرفی و در تهران تاجگذاری کرد . پادشاهی وی چند ماهی بیشتر به طول نیانجامید و او زمانی که گرجستان مشغول جدال با شورشیان گرجی بود ، به وسیله همراهانش کشته شد .

پس از قتل آقا محمد خان، پسر برادرش فتحعلی شاه به جای وی به تخت سلطنت نشست و سلسله قاجار پا گرفت. برخلاف عمومی سخت گیر و بیمارش، فتحعلی شاه در زمامداری اش، رعایت اعتدال را می کرد. حکومت وی که در آغاز قرن نوزدهم میلادی بود با وقایع بسیار مهم و متعددی در اروپا و کلاً در جهان مقارن بود که تأثیر عمیق و مستقیمی بر ایران گذاشتند. از جمله به قدرت رسیدن ناپلئون بنا پارت در فرانسه که موجب جنگهای زیادی در دنیا شد و نزدیکی اولیه ایران و انگلیس و سرخوردگی ایران از انگلیس و مقارن همین ایام تغییر حکومت وحشی سیاسی روسیه که جنگهای زیادی را با ایران در پی داشت. در این دوره، سیاست توسعه طلبانه روسیه نه تنها موجب از دست رفتن گرجستان و بخشهایی از ارمنستان شد، بلکه این کشور امتیازات دیگر تجاری و مرزی نیز کسب کرد که موجب تضعیف بیشتر اقتصاد ایران شد. از جمله مهم ترین اتفاقات سیاسی - فرهنگی در دوره فتحعلی شاه آمدن هیئت فرانسوی به ریاست ژنرال گاردان به ایران است. مأموریت این گروه نیل به اهداف فرانسه در ضربه زدن به انگلیس و روسیه از طریق تجهیز و تقویت قوای ایران طبق عهدنامه فین کن اشتاین بین دو کشور بود که با تلاش وافر اعضای این گروه همراه بود.

در دوره فتحعلی شاه، عباس میرزا ولیعهد و پیشکارانش از جمله قائم مقام، لزوم اعزام عده ای به فرنگ برای کسب علوم جدید را دریافته بودند و طی قرار دادهایی که با انگلیس منعقد کردند، چند دانشجو را برای تحصیل در رشته هایی چون نقاشی، طبابت، آهنگری و توپ سازی، شیمی و زبانهای خارجی به انگلیس فرستادند. محمد میرزا پس از مرگ پدر بزرگش بر تخت شاهی نشست در حالی که وارث ضایعات بزرگی بود که جدش نابخردانه بر کشور و مردم وارد آورده بود. او تا سال ۱۲۶۴ ق. زمام امور را در دست داشت. هر چند وی در جهت رفاه و امنیت کشور اقداماتی کرد، ولی از تهدیدات توسعه طلبانه روسها و انگلیسیها که می کوشیدند خلیج فارس و هندوستان را زیر سلطه خود داشته باشند، در امان نبود. در این زمان وضع اقتصادی نابسامان بود، مردم از جنگهای فراوان خسته شده بودند و دست بیگانگان در کشور باز بود. در دوره محمد شاه و با تحریک انگلیس بخشهایی از شرق ایران جدا شد، از جمله هرات و سعی و تلاش محمد شاه در پس گرفتن آن به عقد عهدنامه پاریس و انفصال ابدی آن از ایران منجر شد، در حالی که انگلیس برای تهدید شاه ایران جنوب کشور را اشغال کرده بود.

رقابت میان روسیه و انگلستان در زمان سلطنت ناصرالدین شاه ۱۲۶۴-۱۳۱۴ ق. شدت یافت و از نظر اقتصادی و فرهنگی کشور تحت نفوذ بیشتر خارجی‌ان قرار گرفت. او نیز مانند پدرش که با همکاری میرزا ابوالقاسم قائم مقام به سلطنت رسیده بود، با همکاری وزیرش میرزا تقی خان امیر کبیر، شاگرد مکتب قائم مقام به سلطنت رسید.

امیر کبیر که داماد خاندان سلطنتی قاجار و وزیر اعظم شاه جوان شده بود با اقدامات خود تحولات بزرگی را در ایران ایجاد کرد که عبارت بودند از: مدرسه دارالفنون را، که نیاز ایران به خارج را تا حد زیادی رفع می‌کرد، تأسیس نمود؛ روزنامه *وقایع اتفاقیه* را به عنوان تنها روزنامه ایرانی در آن زمان منتشر کرد؛ بسیاری از جیره و مواجبی که بی‌جهت به اعیان اعطا شده بود را قطع نمود؛ از دادن لقبهای فراوان تا حد زیادی خود داری و جلوگیری کرد. امیر کبیر سعی داشت قدرت روس و انگلیس را در ایران از بین ببرد، اما با توطئه درباریان خائن و خاندان وابسته به شاه و توطئه‌های خارجی، شاه فرمان عزل و سپس قتل او را بعد از چهار سال صادر کرد.

ناصرالدین شاه در سال ۱۲۸۹ ق. به اروپا سفر کرد و در دو سفر بعدی به شدت تحت تأثیر پیشرفتهای صنعتی و دیگر جاذبه‌های غربی و نیز اخلاق و منش او پایان قرار گرفت. این ارتباط با غرب، موجب شد که در امور مملکتی و دیوانی اصلاحاتی ایجاد شود، اصلاحاتی که شاید اگر بعضی از آنها به علت برداشت نامناسب ایجاد نمی‌شد، وضع بهتری برقرار می‌گردید. قشر اصلاح طلب یا روشنفکر در این زمان شکل گرفت و اشخاص فرنگ رفته رفته می‌خواستند افکار غربی را به طور کامل و دقیق در ایران پیاده کنند.

ناصرالدین شاه پنجاهمین سال سلطنتش به دست میرزا رضا کرمانی به قتل رسید و مظفرالدین شاه فرزند علیل مزاج ناصرالدین شاه پس از وی به حکومت رسید. هنگامی که ایران از هر زمان بدهکارتر و ورشکسته تر بود، روزنامه‌های زیادی که تأسیس شده بود هر یک به ارائه مطالب در له یا علیه حکومت می‌پرداختند. مظفرالدین شاه که علاقه به فرنگ و سفر به آن را از پدر به ارث برده بود، خوشگذرانی را به مملکت داری ترجیح می‌داد و اوضاعی آرام می‌خواست و برای حفظ شرایط موجود، صدر اعظم پدرش، امین السلطان، را در صدارت ابقا کرد.

به طور کلی در دوران سلطنت مظفرالدین شاه موجبات انقلاب مشروطه فراهم گشت و مردم که طی سلطنت سلسله قاجار از تحقیر و توهین و وضع بد اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی به تنگ آمده بودند، ایجاد حکومتی مشروطه و منظم را برای از بین بردن قدرتهای مطلقه، که کارشان سلب آزادی بود، خواستار شدند. بنا براین، مشروطه به

عنوان انقلابی آرام در حالی که متکی به نیاز مردم ، کشور ، افکار و عقاید تجدد طلبانه و کاملاً ناخالص وابسته بود ، شکل گرفت .

صدور فرمان مشروطیت از سوی شاه در اندک فاصله ای مرگ او را در پی داشت ، ولی مجلس اول که مجلس اصناف بود تأسیس شد و قانونی هم به نام قانون اساسی از روی قانونهای کشورهای اروپایی نوشته و نشر شد . فرزند شاه محمد علی میرزا که حال به سلطنت رسیده بود ، طبیعت استبداد طلبی داشت و از سوی روسها که دشمن آشکار مشروطه بودند ، حمایت می شد .

او از روز اول سلطنتش بنای ناسازگاری بامشروطه و مشروطه طلبان را گذاشت و دست آخر مجلس را به توپ بست و منحل کرد و دوره ای به نام استبداد صغیر در تاریخ ایران آغاز شد .

فتح تهران از سوی مخالفان محمد علی شاه از چهار گوشه ایران به حکومت وی پایان داد . احمد شاه جانشین محمد علی شاه ، پسر خردسالی بود که دوست نداشت شاه باشد . او طی دوران سلطنت خود که نزدیک به بیست سال بود ، عملاً حکومت نکرد و همواره صدر اعظماهای متعدد با همه گونه فکر و وابستگی بر ایران حکومت کردند . تقارن حکومت احمد شاه با جنگ جهانی اول نیز ، اوضاع را بیش از پیش دگرگون ساخت . به طور کلی ، در دوره قاجار بسیاری از سنتهای پایدار به جا ماندند و تعارض میان سنت پرستی و تجدد و ایجاد ارتباط با جامعه بین الملل از یک سو و نیز انزوای سیاسی و فرهنگی از سوی دیگر موضوعی است که از همان زمان آغاز شده و تا به امروز در ایران استمرار داشته است .

## ویژگی نقاشی مکتب قاجار



پژوهشگران ، عرفهای صوری نقاشی قاجار را در هنر درباری اواخر قرن دوازدهم / هجدهم اصفهان و شکوفایی متعاقب نقاشی با اندازه طبیعی در شیراز طی حکومت کریمخان زند و اعقابش می دانند . به عبارت دیگر ، نقاشی عهد زندیه که خود ادامه دهنده سنت فرنگی سازی صفوی بود با مختصر تغییری به دوره قاجار انتقال یافت .

می توان گفت که مکتب موسوم به «قاجاری» در واقع از عهد کریمخان زند آغاز شد . بدین ترتیب سبک قاجار با شیوه نگارگری اواخر دوره صفوی پیوستگی دارد . یکی از علل آن «تأثیر پذیری از شیوه های اروپایی است که از اواخر سده یازدهم هجری قمری آغاز شده بود و به وسیله فرزندان و نوادگان همان هنرمندان استمرار یافت » و نیز «شیوه های دیگر نقاشی ، نظیر شیوه رنگ روغن که از اواخر سده یازدهم آغاز شده بود و همچنین تزیینات لاکه در قالب قلمدانها و جلدهای منقوش که تا قرن دوازدهم ، اما نه به وسعت قرن سیزدهم ، ادامه داشت » . نقاشی مکتب

قاجار سعی دوباره ای بود در ایجاد تعادلی مطلوب میان دو عنصر نا همگن ایرانی و اروپایی که در نیمه اول قرن سیزدهم هجری به توفیقی دلپذیر، اما مختصر دست یافت.

با آغاز حکومت فتحعلی شاه حضور سبک ملی، اما متأثر از ایتالیایی اواخر قرن یازدهم / هفدهم تکامل یافته بود و تحت حمایت آن فرمانروای مستبد نامتعارف، چندین صحنه بزرگ از دربار و چندین پرتره (چهره پردازی) به شیوه رنگ روغنی نقاشی شد و همچنین آثاری از صحنه های روزمره و اشیاء بی جان و تعدادی نسخ خطی مصور به وجود آمد.

از آنجا که سلسله قاجار روحاً خصوصیات ترکی داشتند، گرایش به ناتورالیسم (طبیعت گرایی) تقویت شد و مفهوم هنر نگارگری ایران که در قرون گذشته در کتاب آرابی تجلی یافته بود، از این طریق تضعیف شد.

پیکره نگاری درباری نمایانگر اوج هم آمیزی سنتهای ایرانی و اروپایی در یک قالب پالایش یافته و شکومند است. به عبارت دیگر، این مکتبی است که در آن روشهای طبیعت پردازی، چکیده نگاری و آذینگری به طرز درخشانی با هم سازگار شده اند. هر چند سایه روشن کاری افراطی در برخی از این آثار کیفیتی خفه به آنها بخشیده است، ولی به هر تقدیر شناخت و بهره برداری آنان را از نور برای بیان فضای سه بعدی بیان می کند.

البته به رغم بهره گیری از اسلوب برجسته نمایی، هموار شبیه سازی فدای میثاقهای زیبایی استعاری و جلال و وقار ظاهری می شود. در ضمن، در این آثار، تمایل به برجسته نمایی چهره ها در چشم بیننده، رئالیسم موجود در پرسپکتیو و مدل سازی اروپایی را کنار می گذارد.

در سبک قاجار مردان با ریش بلند و سیاه، کمر باریک و نگاه خیره در حالی که دستی بر شال کمر و دست دیگری بر قبضه خنجر دارند، نمایانده شده اند و زنان با چهره بیضی، ابروان پیوسته، چشمان سرمه کشیده و انگشتان حنا بسته به تصویر در آمده اند. به طور کلی بسیاری از نقاشی های رنگ روغنی این دوره یاد آور برجسته کاریهای هخامنشی است. ولی معیار و استاندارد آنها به نحو قابل توجهی تغییر کرده است. در واقع فعل و انفعال سبک عامیانه، ذوق و سلیقه باستان گرایانه و تأثیر اروپا در نقاشی دوره قاجار و بالاتر از همه در نقاشی زیر لاک که در قلمدانها به کار می رفت، به چشم می خورد. در حقیقت اصفهان در این زمان مرکز عمده نقاشی لاک تا میانه قرن

سیزدهم / نوزدهم بود. با شروع نقاشی در ابعاد بزرگ و نیز ورود چاپ سنگی به ایران برخی از معتبرترین نگارگران سده سیزدهم به جلدهای لاکه و قلمدان سازی رو آوردند.

از دهه ۱۲۵۶ ق. چاپ سنگی بهترین شیوه تهیه متون کهن عامیانه بود و تعدادی از آنها با طراحیهای چاپ سنگی تذهیب می شد.

ناصرالدین شاه از هر پدیده اروپایی، به ویژه هنرهای تجسمی و عکاسی لذت فراوان می برد و در این دوره، «تأثیر عکاسی بر نگارگری دوره قاجار امری بلا منازع است». از سوی دیگر، با تأسیس دارالفنون امکان بیشتری برای آشنایی ایرانیان با اصول علمی هنر اروپایی فراهم شد. شایان ذکر است که در نیمه دوم قرن سیزدهم / نوزدهم، هنوز نقاشان (اعم از درباری و غیر درباری) کم و بیش به سنتها و معیارهای گذشته وفاداری نشان می دادند. به عبارت دیگر، آنان در یک مرحله انتقالی حساس، راه حل را در برخورداری دوگانه یافتند. هنرمندانی نظیر صنیع الملک آگاهانه در صدد تلفیق و ترکیب سنت نقاشی ایرانی با عناصر و زبان ویژه آکادمیک برآمدند.

در مجموع در این دوره آثاری با کیفیت بالا چه در نگاره ها و چه در نقاشیهای روغنی اندک است و نقاشی قاجار این احساس را به وجود می آورد که انگار «حیاط خلوتها» خلق شده اند. در ضمن در مصور سازی کتاب، رنگهای مات و لعاب، مانند دوره های صفوی و تیموری دیگر به کار نمی رفتند و راه برای آبرنگهای نسبتاً رقیق باز شده بود.

با یک نگرش افراطی غربی، نقاشی دوره قاجار عجیب و تا حدودی مضحک به نظر می آید. سایه روشن کاری و تلاش در جهت به کار گرفتن پرسپکتیو به طور همزمان در فضایی که صرفاً دو بعدی است قابل تأمل است. ولی از دیدگاه هنرمندانی که این آثار را آفریدند، این طرز از بیان نشان از ابتکار عمل آنها دارد که در عین حال به ذائقه حامیانشان نیز خوش می آمد.

به طور کلی با مرگ ناصرالدین شاه در سال ۱۳۱۳ ق «نگارگری ایران در خلال قرن بیستم استقلال خود را از دست داد. از یک طرف مشغول بازنمایی سبکهای کهن سابق (از جمله صفوی) شد که اغلب با مهارت و عشق و ایثار فوق العاده همراه بود و از طرف دیگر نقاشان ایرانی به فعالیت در جریانهای مختلف نقاشی غرب پرداختند».



می توان گفت که هنر دوره قاجار در روند موفقیت و شکست شکل گرفته است . هنرمندان این مکتب سنتهای هنر ایرانی و اسلامی را با سنتهای غربی در آمیختند و از آن میان مکتبی منحصر به فرد سر بر آورد که نمی توان آن را نه در سبک مکتبهای قدیمی قرار داد و نه جزء مکتبهای غرب گرا ؛ بلکه این مکتب جلوه های ویژه و عناصر بصری خاص خود را دارد که زیبا و نو آورانه است و در تاریخ هنر ایران جای خاصی دارد . اگر چه اغلب به لحاظ محتوایی فاقد ارزشهای متعالی و حتی در مواردی عشرت طلبانه سطحی نگرا است .

## پیکره نگاری درباری

در زمان فتحعلی شاه شرایط برای تجدید حیات هنر درباری مناسب بود . شاه قاجار شماری از برجسته ترین هنرمندان را در پایتخت گرد آورد ، و آنها را به کار نقاشی پرده های بزرگ اندازه برای نصب در کاخهای نو ساخته گماشت . این سبک تجملاتی که در جهت نشان دادن جلال و شکوه دربار در تکاپو بود پیکره نگاری درباری لقب یافت . و عمده مشخصات آن عبارتند از : ترکیب بندی متقارن و ایستا با عناصر افقی عمودی و منحنی و ؛ سایه پردازی مختصر در چهره و جامه ؛ تلفیق نقشمایه های تزینی و تصویری ؛ ورنگ گزینی محدود با تسلط رنگهای گرم به خصوص قرمز .

پیکره نگاری درباری نمایانگر اوج هم آمیزی سنتهای ایرانی و اروپایی است در یک قالب پالایش یافته و شکوهمند . به سخن دیگر ، این مکتبی است که در آن روشهای طبیعت پردازی ، چکیده نگاری و آذینگری به طرز درخشان با هم سازگار شده اند . در این مکتب ، پیکر انسان اهمیت اساسی دارد ؛ ولی به رغم بهره گیری از اسلوب برجسته نمایی ، همواره شبیه سازی فدای میثاقهای زیبایی استعاری و جلال و وقار ظاهری می شود . غالباً شاه ، شاهزادگان ، ورامشگران درباری تنها در برابر اُرسی یا پنجره ای که پرده اش به کنار جمع شده است ، قرار گرفته اند . مردان با ریش بلند و سیاه ، کمر باریک و نگاه خیره کننده در حالی که دست بر شال کمر و دست دیگری

بر قبضه خنجر دارند، نمایانده شده اند. وزنان با چهره بیضی، ابروان پیوسته، چشمان سرمه کشیده وانگشتان حنا بسته در حالتی مخمور به تصویر در آمده اند. همگی در جامگان زربفت و مروارید نشان، و غرق در جواهر وزینتها تجسم یافته اند. سریر، تاج، کلاه، سلاح، قالیچه، مخده و جز اینها نیز سراسر نقشدار و فاخر هستند. به طور کلی، افراد بیشتر به واسطه اشیاء معرفی می شوند، و کوششی برای نمایش خصوصیات روانی آنها مشهود نیست. اشیاء فرعی چون صراحی و جام، میوه و گلدان و غیره، فضای دو بعدی تصویر را پُر می کنند. در برخی پرده ها چشم اندازی از طبیعت با معماری در پس زمینه به چشم می خورد.

## آثار نقاشی دوره قاجار

### تک چهره تمام قد ناصر الدین شاه

این شمایل تمام قد فتحعلی شاه، اثر مهر علی، به سال ۱۲۲۸ ق. تعلق دارد و یکی از بهترین و شاید هم با شکوه ترین پرده نقاشی رنگ روغنی ایران سابق بوده که امروز در موزه نگارستان تهران قرار دارد.

در این پرده «انتخاب ایستادن شاه با یک دست بر کمر زده جلوه خاصی را به وجود آورده است و ریش پهن سیاه وانبوه، جواهر جامه و تاج جقه دار بزرگ او این جلو را دو چندان می کند». در این نقاشی، فتحعلی شاه، چوبدستی جواهر نشانی در دست دارد که در رأس آن هدیه‌ی دیده می شود؛ یعنی پرنده خرد و دانش حضرت سلیمان نقاشی شده است. ظرافت طراحی، وسواس در رنگ گزینی و استادی در اجرای کار چنان است که بتوان این پرده را در زمره بهترین آثار نقاشی ایران قلمداد کرد.

### شاهنامه داوری

لطفعلی، در واپسین سالهای زندگی چندین مجلس برای یک نسخه خطی شاهنامه (مشهور به شاهنامه داوری) تصنیف کرد. این نسخه، آخرین نسخه قابل توجه شاهنامه است که در دهه ۱۲۷۶ ق. برای خاندان وصال شیرازی به تصنیف در آمد. لطفعلی خان، نقاش ماهر طرح گل و مرغ بوده است. او به همراه دو تن از پسران شاعر، «فرهنگ» و «داوری» نگاره های این نسخه را اجرا کرده اند این نگاره ها، طرحهایی به یادماندنی و چشمگیر را شامل می شوند که یاد آور سنت دیرین کتاب نگاری غیر درباری شیراز است و به همین قیاس، سبک دورگه نگاره های آن نیز نا پخته تر از سبک رسمی عصر فتحعلی شاه به نظر می آید.

## کتاب هزار و یک شب

این کتاب که امروزه در کتابخانه کاخ گلستان موجود است ، از مهمترین آثار ابوالحسن غفاری (صنیع الملک ) محسوب می شود . برای تهیه این نسخه مصور ، گروهی متشکل از ۳۴ نقاش و صحاف زیر نظر ابوالحسن غفاری به مدت هفت سال کار کردند . به طور کلی بیشتر طراحیهای اصلی ، یعنی تعدادی از نقاشیهای پایان یافته آن از ذهن خود او تراویده است .

## روزنامه دولت علیه ایران

به فرمان ناصرالدین شاه مسئولیت طبع روزنامه دولت علیه ایران به ابوالحسن غفاری سپرده شد و قرار شد برای هر شماره این روزنامه تصاویری از رجال و وقایع جاری تهیه و چاپ کند . به طور کلی عشق اولیه ابوالحسن (صنیع الملک ) چهره نگاری بود و از این هنر برای این روزنامه هفتگی رسمی در کشیدن چهره ها بهره گرفت . این چهره ها مرکب از یک سلسله چهره های بی ترحم و نافذ شاهزادگان ، سیاستمداران و دیگران بود .

## نقاشان مکتب قاجار

### میرزا بابا

نخستین نقاشباشی دربار قاجار «میرزا بابا» نام داشت که از او چندین پرده رنگ روغنی و تصاویر دیوان فتحعلی شاه مربوط به سالهای اولیه سلطنت این شاه برجا مانده است. میرزا بابا بیشتر به خاطر دور نما سازی که در پس زمینه چهره نگاریهای خود قرار می داد، شهرت داشت. او در تذهیب، نگارگری، نقاشی لاک و مینا کاری دستی توانا داشت

### مهر علی

مهر علی از نظر شهرت پس از میرزا بابا ولی از نظر مهارت هنری با او برابر بود. مهر علی در چهره پردازی و نقاشی لاک و نقاشی پشت شیشه استاد بود. او با اسلوب نقاشی پشت شیشه، چند تک چهره استادانه از فتحعلی شاه و درباریان قاجار از خود برجا گذاشته است.

### نجفعلی ( آقا نجف )

نجفعلی از بزرگترین نقاشان لاک میانه قرن نوزدهم در اصفهان بوده است. در نقاشیهای او و آقا صادق « چشمها از روبرو نقاشی شده و گشادتر از دهان است و طره گیسو به چهره آویزان شده است ». او در طبیعت نگاری خصوصاً در سایه پردازی ملایم چهره ها مهارت بیشتری نشان داد. روی قلمدانهای کار او اغلب تصویر حضرت عیسی و حضرت مریم که تقلیدی از کار نقاشان ایتالیا بود دیده می شود. کارهای او از نظر هنری در ظرافت بی نظیر بود، اما تناسب کارهای هنرمندان اروپا را نداشت و مقصود بیشتر نشان دادن صورت و حالات بوده است. او آثارش را « یا شاه نجف » امضا می کرده است.

## لطفعلی ( صورتگر )

لطفعلی در شیراز به کار نقاشی زیر لاکی و آبرنگ می پرداخت و موضوع اصلی نقاشی اش گل و بلبل بود . او نقاشی بوته ها ، گلها و پرند ها را به شیوه های مختلف کار کرده است . لطفعلی گلها را به قدری درخشان و دلچسب نقش می زد که الگوی نقاشان دیگر می شد . از لطفعلی چندین مجلس برای یک نسخه شاهنامه به جا مانده است .

## عبد الله خان

عبدالله خان سومین نقاش سالهای نخستین سلطنت فتحعلی شاه است که تا سال ۱۲۶۲ ق . در قید حیات بود او در سال ۱۲۲۸ ق . «دیوار نگاره ای عظیم از مراسم سلام نوروزی فتحعلی شاه را در تالار بار عام کاخ گلستان اجرا کرده بود .» در این پرده ، فتحعلی شاه با تاج دیده می شد که گروهی از فرزندان ملازم او بودند و دوردیف از درباریان و سفرای بیگانه ( از جمله سرگور اوزلی و ژنرال گاردان سفیر ناپلئون ) در اطراف به چشم می خوردند . البته گفتنی است که ترکیب بندی متقارن و سترک نمایی این دیوار نگاره بار دیگر ما را به الگویی روبه رو می کند که از دیر زمان برای صحنه های جلوس شاهنامه به کار می رفته است .

## ابوالحسن غفاری ( صنیع الملک )

ابوالحسن غفاری یکی از شاگردان مهر علی در دربار محمد شاه بوده است . او برای هنر آموزی و آشنایی با فن چاپ سنگی به ایتالیا فرستاده شد و بدین سان ، وی نخستین هنرمند ایرانی بود که در اروپا آموزش دید . زمانی که او از ایتالیا برگشت ، محمد شاه مرده و پسرش ناصر الدین شاه جای او را گرفته بود . وی تک چهره های بیشماری از اعیان و اشراف این دوران تدارک دید .

یکی از نقاشیهای بزرگ رنگ روغن او که امروزه در موزه باستان شناسی تهران محفوظ است، ناصر الدین شاه را نشسته بر تخت، همراه فرزندان، وزرای اعظم، درباریان و سفرای خارجی را نشان می دهد. البته، هیكلها مانند سرمش داده شده در نگارستان ( دیوار نگاره عبدالله خان ) به اندازه طبیعی اند، لیکن هر یک از چهره ها کاملاً فردی و در تفاوتی آشکار با دیگران ساخته شده است، برخلاف اندام خشک زده و چوب نما و صورت‌های یکسان سازی شده در « کار عبدالله خان ». اما جالب توجه اینکه، این تزئین به لحاظ هنری پایین تر از پیش طرحهای ریز نقش آبرنگ این هنرمند از طبیعت است. چه بسا ابوالحسن در اجرا و پرداخت رنگ روغنهای درشت نقش خویش متکی بر کمک و یاری شاگردانش بوده و نیازی نمی دیده که بر روی پرده های رنگ روغن کار کند. او مصور سازی نسخه خطی هزار و یک شب را در شش مجلد و مشتمل بر ۱۱۳۴ صفحه تصویر با همکاری شاگردانش به انجام رسانده است. این نسخه مصور نمایانگر واپسین کوشش برای حفظ سنت کتاب نگاری ایران است.

نوآوری صنیع الملک به خصوص در عرصه چهره نگاری واقع گرایانه رخ نمود. او نه فقط در شبیه سازی خصوصیات ظاهری، بلکه همچنین در نمایاندن حالات و شخصیت افراد نهایت دقت و مهارت را به کار می برد.

صنیع الملک را به دلیل پیشگامی او در چاپگری می توان پدر هنر گرافیک ایران خواند.

### محمد غفاری ( کمال الملک )

محمد غفاری ( کمال الملک ) در قرن سیزدهم / نوزدهم در کاشان متولد شد و در پانزده سالگی وارد دارالفنون شد. او هنر آموزی را در دارالفنون زیر نظر مزین الدوله آغاز کرد. وی ضمن آموختن دروس مختلف، مقدمات نقاشی را نزد معلم نقاشی آن مدرسه آموخت و در سال ۱۳۰۰ ق. ناصر الدین شاه، لقب « کمال الملک » را به او تفویض کرد. محمد غفاری به دنبال زمینه ای که فرید الدوله و دیگران فراهم کرده بودند، توانست نوعی هنر آکادمیک را در دربار ناصر الدین شاه تثبیت کند. او که برادرزاده صنیع الملک بود، مدتی را در اروپا گذراند و سبک کامل غربی را کسب کرد.

کمال الملک با تک چهره ای که از روی یک عکس کشید توجه شاه را به خود جلب کرد و پس از آن از حمایت شاه برخوردار شد و جانشین ناصر الدین شاه ، مظفر الدین شاه ، هم از او حمایت کرد .

او پس از کشته شدن ناصر الدین شاه ، در سال اول سلطنت مظفر الدین شاه ۱۳۱۴ ق . به اروپا سفر کرد . حدود سه سال و اندی را به ترتیب در فلورانس ، رم و پاریس گذراند و بیشتر اوقات خود را به مطالعه آثار بزرگان هنر اروپا مانند میکل آنژ، رافائل ، تی سین و رامبراند و کپی برداری از آثار آنان پرداخت . سفر اروپا تأثیری مثبت در اسلوب کار و حتی طرز دید او داشت . وی به دستور مظفر الدین شاه به ایران بازگشت ۱۳۱۷ ق . و کار در دربار را ادامه داد . ولی عملاً نتوانست با خواسته های شاه جدید کنار بیاید .

سالهای اقامت کمال الملک در پاریس مصادف بود با پایان جنبش امپرسیونیسم و آغاز جنبشهای جدید دیگر در هنر اروپا ، ولی او عمداً یا به دلیل بی اطلاعی ، اصلاً به این جنبشها توجهی نکرد و به مطالعه در آثار قدیم اکتفا نمود . از مهمترین آثار قبل از سفر او به اروپا می توان به تابلوی آبشار دوقلو ، عمارت کاخ گلستان ، دورنمای دهکده امامیه ، ومهمترین اثر پس از اروپا « زرگر و شاگردش » اشاره کرد . در ضمن پرده نقاشی « تالار آینه » او که شاه را در تالار معروف گلستان به تصویر کشیده ، از بزرگترین آثار وی محسوب می شود . در سال ۱۳۲۱-۱۳۲۲ ق . اشتیاق او برای ایجاد زبان جدید هنری موجب شد تا راهی عراق شود و درباره رنگهای ظاهری شرقی مطالعه و تحقیق کند . پرده های « زرگر بغدادی » ، « فالگیر یهودی » و « میدان کربلا » را در هنگام اقامتش در عراق نقاشی کرد .

« فالگیر بغدادی » فاقد ضعفهای آثار قبلی اوست و برخوردار از نکاتی است که در آثار بعدی او دیده نمی شود . در سالهای کمال الملک ، مدرسه صنایع مستظرفه را بنیاد نهاد و ریاست کل صنایع مستظرفه را برعهده گرفت . در مدرسه نامبرده ، با کوشش فراوان به پرورش شاگردانی همت گماشت که زبده ترینشان ، خود ، استادانی در مکتب او شدند .

کمال الملک به عبارتی ، نقطه ختم جریان هنر سنتی و نقطه آغاز جدی جریان دیگری بود که از هنر مغرب زمین مایه گرفت . اگر چه تأثیر پذیری از هنر غرب از زمانهای دور آغاز شد ولی در کار نقاشان قبل از او ، نفوذ هنر غربی به نحوی در سنتهای نقاشی ایرانی مستحیل می شد . حال اینکه کمال الملک به تدریج از معیارهای نقاشی سنتی ایرانی دور شد و به معیارهای هنر کلاسیک اروپایی روی آورد .



با ظهور کمال المک، وظیفه ای برای نقاش دربار معین شد. او باید رویدادها، اشخاص، ساختمانها، باغها و غیره را همچون عکاسی دقیق ثبت می کرد تا با عادی مظاهر زندگی و محیط درباری،سندیت تاریخی بخشد.

کمال الملک با کوششهای خود در مقام نقاش و معلم، پاسخی متناسب با شرایط اجتماعی و فرهنگی زمانه اش به ضرورت تحول هنری جامعه داد. بازتاب این کوششها در ذهن مردم، خصوصیات اخلاقی، نحوه زندگی و واقعه کور شدنش از او یک مرد افسانه ای ساخت.

منابع:

نقاشی ایران از دیرباز تاکنون، رویین پاکباز

نقاشی قاجار، یعقوب آژند

روزگاران، زرین کوب

تاریخ نقاشی ایران، زهرا رهنورد